



مسلمات

مسلمت، یکی از اصطلاحات بکار رفته در علم منطق بوده و به معنای قضایای مورد پذیرش یا التزام مجیب در [صناعت جدل](#) است.
[۱] علامه حلی، حسن بن یوسف، الجوهر النضید، ص ۲۳۳-۲۳۶.

فهرست مندرجات

- ۱ - معانی مسلمت
- ۲ - مسلمت به معنای عام
- ۳ - مسلمت به معنای خاص
- ۴ - اقسام مسلمت به معنای خاص
- ۵ - فرق مسلمت با مشهورات
- ۶ - مستندات مقاله
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

معانی مسلمت

«مسلمت»، گاهی در معنایی عام بکار می‌رود، و گاهی در معنای خاص.

مسلمت به معنای عام

مسلمت به معنای عام قضایایی هستند که افاده تصدیق جزمی در شخص می‌نمایند، البته جزمی که بر سببی خاص تکیه دارد و مستند به آن است. این قضایا اگر سبب جزمیت آنها در درون شخص باشد «معتقدات»، و اگر بیرون از وی باشد، «ملخوذات» نام دارد. قضایای معتقدات به «یقینیات»، «مشهورات» و «وهمیات» تقسیم می‌شود و قضایای ملخوذات به «مقبولات» و «تقریریات» تقسیم می‌شود. مسلمت در این کاربرد، مقابل [مظنونات](#)؛ [مُشبهات](#) به غیر یا [مُشبهات](#)؛ و [مخیلات](#) قرار دارد.

[۱] مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد، ص ۲۷۲.

[۲] خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی، ص ۲۴۲.

[۳] خوانساری، محمد، منطق صوری، ص ۲۱۰.

[۴] مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۳۵۱.

مسلمت به معنای خاص

اما مسلمت در کاربرد خاص، ناظر به قضایایی است که در صناعت جدل بکار می‌رود، و مراد از آن، قضایایی است که «مجیب» آن را مسلم دانسته و به آن ملتزم شده است (چه در واقع صلیق باشند، چه کاذب و چه مشکوک)؛ آنگاه آنها از سوی سائل در حجتی که بر ابطال رای مجیب تالیف شده است، بکار گرفته شوند. به دیگر بیان، قضایایی است که در جدل از سوی سائل برای محکوم کردن و افحام مجیب (اگر معاند باشد) یا ارشاد و افهامش (اگر مسترشد باشد و آملگی لازم برای درک برهان و فهم آن را نداشته باشد) اخذ می‌گردد.

[۵] مشکوٰه دالدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر اللعلت المشرفیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۰۹-۶۱۰.

اقسام مسلمت به معنای خاص

- مرحوم مظفر مسلمت (به معنای خاص) را بر دو قسم دانسته:
۱. مسلمت عامه: قضایایی که مورد تسلیم طرف مقابل در بحث و جدل است؛
 ۲. مسلمت خاصه: قضایایی که مورد تسلیم جمهور یا طائفه‌ای خاص است.
- [۱۷] ابوالبرکت ابن‌ملکا، هبه‌الله بن علی، الکتب المعترف فی الحکمة، ص ۲۰۷.
- [۱۸] قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد، تحریر القواعد المنطقیه فی شرح رساله الشمسیه، ص ۱۶۸.
- [۱۹] مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد، ص ۲۵۵.

فرق مسلمت با مشهورات

فرق مسلمت (به معنای خاص) با مشهورات آن است که کسی که مشهورات را بکار می‌برد مفاد قضیه در نظرش راجح است ولو آنکه جازم نباشد، اما در مسلمت، مشروط به رجحان هم نیست. در برخی آثار، مسلمت (به معنای خاص) مترادف تقریرات (یکی از دو قسم قضایای ماخوذات) شمرده شده است. برخی دیگر، تقریرات را آرائی دانسته‌اند که از دیگران موقتاً برای مصلحتی گرفته شده، ولی بالفعل مورد قبول نباشند، که شامل **مصادرات** و **اصول موضوعه** می‌شوند.

- [۱۰] سبزواری، ملاحدی، شرح المنظومه، ص ۸۸.
- [۱۱] خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اسس الاقتباس، ص ۳۴۸.
- [۱۲] فرصت شیرازی، میرزا محمد، اشکال المیزان، ص ۳۴.
- [۱۳] ابوالحسن سالاری، بهمنیار بن مرزبان، التحصیل، ص ۹۵.

مستندات مقاله

در تنظیم این مقاله از منابع ذیل استفاده شده است:

- مظفر، محمد رضا، المنطق.
- خوانساری، محمد، منطق صوری.
- سبزواری، ملاحدی، شرح المنظومه.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، الجوهر النضید.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، الاشارات و التنبیها.
- ابوالحسن سالاری، بهمنیار بن مرزبان، التحصیل.
- فرصت شیرازی، میرزا محمد، اشکال المیزان.
- مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد.
- خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اسس الاقتباس.
- خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی.
- ابوالبرکت ابن‌ملکا، هبه‌الله بن علی، الکتب المعترف فی الحکمة.
- قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد، تحریر القواعد المنطقیه فی شرح رساله الشمسیه.
- مشکوٰالدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه.

پانویس

۱. ↑ علامه حلّی، حسن بن یوسف، الجوهر النضید، ص ۲۳۳-۲۳۶.
۲. ↑ مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد، ص ۲۷۲.
۳. ↑ خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی، ص ۲۴۲.
۴. ↑ خوانساری، محمد، منطق صوری، ص ۲۱۰.
۵. ↑ مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۳۵۱.
۶. ↑ مشکوٰالدینی، عبدالمحسن، منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، ص ۶۰۹-۶۱۰.
۷. ↑ ابوالبرکت ابن‌ملکا، هبه‌الله بن علی، الکتب المعترف فی الحکمة، ص ۲۰۷.
۸. ↑ قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد، تحریر القواعد المنطقیه فی شرح رساله الشمسیه، ص ۱۶۸.
۹. ↑ مجتهد خراسانی (شهابی)، محمود، رهبر خرد، ص ۲۵۵.
۱۰. ↑ سبزواری، ملاحدی، شرح المنظومه، ص ۸۸.
۱۱. ↑ خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اسس الاقتباس، ص ۳۴۸.
۱۲. ↑ فرصت شیرازی، میرزا محمد، اشکال المیزان، ص ۳۴.
۱۳. ↑ ابوالحسن سالاری، بهمنیار بن مرزبان، التحصیل، ص ۹۵.

منبع

